

رولد دال

ترجمه‌ی محبوبه نجف‌خانی

جادوگرها

www.ketab.ir

دال، رولد، ۱۹۱۶ - ۱۹۹۰ م. Dahl, Roald
جادوگرها / نوشته‌ی رولد دال؛ تصویرگر کونتین بلیک؛
ترجمه‌ی محبوبه نجف‌خانی.
تهران: افق، ۱۳۹۱.

۲۵۶ ص.
رمان نوجوان؛ ۹۸.
978-964-369-809-6

فیبا
عنوان اصلی: The Witches
داستان‌های کودکان انگلیسی -- قرن ۲۰.
جادوگرها -- داستان‌های نوجوانان
ج ۷/د ۲ PZ ۱۳۹۰
[ج] ۹۱۴ / ۸۲۳
۲۵۶۹۹۲۵

سرشناسنامه:
عنوان و نام پدیدآور:

مشخصات نشر:
مشخصات ظاهری:
فروست:
شابک:

وضعیت فهرست‌نویسی:
یادداشت:
موضوع:
موضوع:
رده‌بندی کنگره:
رده‌بندی دیویی:
شماره کتابشناسی ملی:

رولد دال / ۴

جادوگرها

رمان نوجوان / ۹۸

نویسنده: رولد دال

مترجم: محبوبه نجف‌خانی

ویراستار: علیرا جوزدانی

مدیر هنری و طراح جلد: کیانوش غریب‌پور

تصویرگر: کونتین بلیک

صفحه‌آرایی و نسخه‌پردازی: آتلیه‌ی نشر افق

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۶۹-۸۰۹-۶

چاپ یازدهم: ۱۴۰۱، ۵۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سبب • چاپ و صحافی: پژمان، تهران

کلیه‌ی حقوق چاپ و نشر این اثر برای مؤسسه‌ی نشر افق محفوظ است. هر گونه استفاده از کتاب‌آرایی و عناصر آرایشی و نیز تکثیر و تولید دوباره‌ی آن به هر شکل و شیوه از جمله چاپی، کپی، صوتی، تصویری و الکترونیکی بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر پیگرد قانونی دارد.

۷۴۰۰۰ تومان

افق
نشر

تهران، ص. پ. ۱۱۳۵ - ۱۳۱۲۵

تلفن ۶۶۴۱۳۳۶۷

ofoqbooks.com

info@ofoqbooks.com

ofoqkidsandteens

ofoqkidsandteens

- ۹ / یادداشتی درباره‌ی جادوگرها
- ۱۵ / مادر بزرگ من
- ۲۹ / چه‌طور یک جادوگر را تشخیص بدهیم
- ۴۱ / جادوگر اعظم
- ۵۷ / تعطیلات تابستان
- ۷۵ / گردهمایی
- ۸۱ / مثل جگر جزغاله
- ۹۵ / عملیات زمان‌دار فرمول موش‌سازی شماره‌ی ۸۶
- ۱۰۹ / دستور ساخت
- ۱۲۱ / برونو جنکینز ناپدید می‌شود
- ۱۳۱ / عهد عتیقی‌ها
- ۱۳۹ / تغییر شکل
- ۱۴۵ / برونو
- ۱۵۲ / سلام مامان بزرگ

۱۶۹ / موشِ دزد

۱۸۱ / آقا و خانم جنکینز با برونو ملاقات می‌کنند

۱۸۹ / نقشه

۱۹۵ / توی آشپزخانه

۲۱۹ / آقای جنکینز و پسرش

۲۲۵ / پیروزی

۲۳۵ / قلب یک موش

۲۴۳ / وقتش است دست به‌کار شویم!

یادداشتی درباره‌ی جادوگرها

توی افسانه‌ها، جادوگرها همیشه کلاه‌های مسخره‌ای سرشان می‌گذارند و شل‌های مسخره‌ای می‌پوشند و سوار جارو می‌شوند و این‌ور و آن‌ور می‌روند. ولی این یک افسانه نیست. این داستان جادوگرهای واقعی است. الان چیزهایی را که باید درباره‌ی جادوگرها بدانید، به شما می‌گویم. با دقت گوش کنید و چیزهایی را که می‌گویم، هیچ‌وقت فراموش نکنید. **جادوگرهای واقعی** لباس‌های معمولی می‌پوشند و خیلی شبیه زن‌های معمولی هستند. توی خانه‌های معمولی زندگی می‌کنند و شغل‌های معمولی دارند.

برای همین، به این راحتی‌ها نمی‌شود گیرشان انداخت. یک جادوگر معمولی، چنان نفرت داغ و سوزانی از بچه‌ها دارد که داغ‌تر و سوزان‌تر از آن را نمی‌توانید تصور کنید. یک جادوگر معمولی، صبح تا شب نقشه می‌کشد تا توی منطقه‌ی مخصوص خودش از شرّ بچه‌ها خلاص شود. او کشته مرده‌ی این است

که بچه‌ها را یکی یکی سربه‌نیست کند و صبح تا شب، تمام فکر و ذکرش همین است. حتی اگر صندوق‌دار سوپرمارکتی باشد یا نامه‌های تاجری را تایپ کند یا با ماشین شیک و پیکی، این‌ور و آن‌ور برود (که می‌تواند هر کدام از این‌ها باشد)، ذهنش یک‌بند در حال توطئه‌چیدن و نقشه‌کشیدن و سوزاندن و چزاندن و چلانیدن بچه‌هاست و فکرهای جنایت‌کارانه و شیطانی دارد.

او هر روز، صبح تا شب، با خودش می‌گوید: «دفعه‌ی بعد که می‌خواهم بچه‌ای را له و لورده کنم، چه جور بچه‌ای را انتخاب کنم؟»
 یک جادوگر واقعی از له و لورده کردن یک بچه، همان قدر لذت می‌برد که شما از خوردن بشقابی پر از توت‌فرنگی و خامه‌ی پرچرب.
 همه‌ی امیدش این است که هفته‌ای یک بچه را نیست و نابود کند و به کم‌تر از این هم رضایت نمی‌دهد و اگر نتواند این کار را بکند، حسابی انجم‌هایش توی هم می‌رود.

هفته‌ای یک بچه، می‌شود سالی پنجاه و دو تا.
 شعار همه‌ی جادوگرها این است: بچه‌ها را له و لورده و شل و پل کنید و از سر راه، برشان دارید.

قربانی، خیلی با دقت انتخاب می‌شود. بعد جادوگر مثل یک شکارچی که توی جنگل آهسته و بی‌سروصدا پرنده‌ی کوچکی را تعقیب می‌کند، برای شکار بچه‌ی فلک‌زده یواشکی کمین می‌کند. او آرام حرکت می‌کند.